

**Bahaism and Islamic Civilization (From its formation
to the end of the Pahlavi period)**

Abdolkazem Mojtabazadeh¹

Received: 02 Oct 2020

Reception: 29 Jan 2021

Civilization is an order, which causes that cultural creativity, becomes possible and current. Islamic civilization, which based on the Qur'an and the Sunnah of the Prophet (PBUH), has gone through up and down since its formation. In addition to the causes of the glory and grandeur of this civilization, factors have also weakened and lagged behind it. Sectarianism among Muslims has been one of the causes of the backwardness of Islamic civilization. The purpose of this study is to investigate and explain the role of the Baha'i sect in the decline of Islamic civilization. This research has done by qualitative interpretive study method, using library resources and reputable sites. According to the findings of this study, the Baha'i sect, by creating divisions and differences among Muslims, waging political and social conflicts, cooperating with the colonial powers against Islamic nations, and accompanying the formation of the Israeli regime in Islamic lands, has played an effective role in weakening and retreating of the survival of Islamic civilization.

Keywords: Islamic civilization, sectarianism, Baha'i, degeneration, backwardness.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Assistant Professor of Islamic Education, Gilan University, Iran. akmojtabazadeh@yahoo.com

بهائیت و تمدن اسلامی (از شکل‌گیری تا پایان دوره پهلوی)

دریافت: ۹۹/۷/۱۱

عبدالکاسم مجتبی زاده^۱

پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۰

چکیده

تمدن، نظامی است که در نتیجه آن خلاقیت فرهنگی امکان و جریان پیدا می‌کند. تمدن اسلامی که بر اساس قرآن و سنت پیامبر (ص) بنیان گذاشته شده از زمان شکل‌گیری تاریخ پرفراز و فرودی را طی نموده است. در کنار علل شکوه و عظمت این تمدن، عواملی نیز موجب تضعیف و عقب‌ماندگی آن شده‌اند. فرقه‌گرایی در میان مسلمانان از جمله عوامل عقب‌ماندگی تمدن اسلامی بوده است. هدف این پژوهش بررسی و تبیین نقش فرقه بهائیت در انحطاط تمدن اسلامی است. این پژوهش با روش مطالعه تفسیری از نوع کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر به انجام رسیده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، فرقه بهائیت از طریق ایجاد تفرقه و اختلاف در میان مسلمانان، برپایی منازعات سیاسی و اجتماعی، همکاری با قدرت‌های استعماری علیه ملل اسلامی و همراهی با تشکیل رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اسلامی، نقش مؤثری در تضعیف و عقب‌ماندگی تمدن اسلامی ایفا نموده است.

کلمات کلیدی: تمدن اسلامی، فرقه‌گرایی، بهائیت، انحطاط، عقب‌ماندگی.

مقدمه

سابقه تمدن در جوامع بشری، قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد که هر امت و ملت تمدن سازی، بخشی از تاریخ تمدن بشری را ساخته و به میراث گذاشته‌اند. تمدن اسلامی نیز از جمله تمدن‌های شکوهمند بشری است که از آغاز آن، تأسیس حکومت رسول‌الله (ص) در مدینه‌النبی تا به امروز، تاریخ پرفراز و فرودی را طی نموده است. عواملی همچون علم، تعقل، عدالت، نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مناسب، وحدت و یکپارچگی موجبات عظمت و پیشرفت تمدن اسلامی را فراهم نموده است. عوامل دیگری مانند تفرقه، تعصبات مذهبی و نژادی، اختلافات طبقاتی، بی‌عدالتی و دوری از خدا و دستورات دینی اسباب تضعیف و عقب‌ماندگی این تمدن گردید. در میان علل انحطاط تمدن اسلامی، تفرقه و اختلاف در میان مسلمانان سهم قابل توجهی دارد. اتحاد و یکپارچگی نقشی حیاتی در دوام و بقای هر تمدنی دارد و تفرقه، موجب از هم پاشیدگی قدرت و شکست و انحطاط تمدن‌ها می‌گردد. در طول تاریخ اسلام، از صدر اسلام تا به امروز، انواع و اقسام فرّق در جهان اسلام بروز و ظهور یافته‌اند که هر یک در عظمت یا انحطاط تمدن اسلامی سهم داشته‌اند. در قرون اخیر در جهان اسلام، فرّقی به وجود آمده‌اند که شکل‌گیری آنان ناشی از علل و عوامل داخلی و خارجی بوده است. از علل داخلی شکل‌گیری این فرّق می‌توان به ناکارآمدی نظام‌های سیاسی حاکم، گستردگی نابسامانی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، وجود زمینه‌های اعتقادی، تعامل و آشنایی با سایر ادیان و مذاهب و غیر آن اشاره نمود. شکل‌گیری و گسترش پدیده استعمار و ظهور افکار و اندیشه‌های جدید اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از جمله عوامل خارجی تشدید فرقه‌گرایی در جهان اسلام بوده است.

طرح مسئله

تمدن در لغت به معنای شیوه زندگی در جامعه شهری است. (سیدی، ۱۳۸۸: ۷) در خصوص معنای اصطلاحی تمدن نیز تعاریف متعددی ارائه شده است. از دیدگاه ویل دورانت، تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظمی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. (دورانت، ۱۳۸۱: ۵) ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر او، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم‌پذیر شده،

مناسب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهر و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و امکانات نفسانی، چون علم و هنر شده، حائز مدنیت است. (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۷۶ - ۷۵) یکی از تمدن‌هایی که در عرصه تاریخ بشر به وجود آمده، تمدن اسلامی است که مرکز این تمدن دینی و توحیدی، قرآن (زرین کوب، ۱۳۹۱: ۲۲) و سنت پیامبر اکرم (ص) است و مؤلفه‌های گوناگونی در ابعاد مادی و معنوی دارد. تمدن اسلامی لااقل از پایان فتوح مسلمین تا ظهور مغول، قلمرو اسلام را از لحاظ نظم و انضباط اخلاقی، برتری سطح زندگی، سعه صدر و اجتناب نسبی از تعصب، و توسعه و ترقی علم و ادب، طی قرن‌های دراز پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مریی فرهنگ عالم انسانیت قرار داد. (زرین کوب، ۱۳۹۱: ۲۱) در خصوص شکل‌گیری و استمرار تمدن اسلامی، نظریات مختلفی در میان محققان این حوزه وجود دارد. عده‌ای از محققان، از اساس مخالف تمدن اسلامی هستند. این دسته از تاریخ‌نویسان که غربی هستند، بر این باورند که تمدن اسلامی بر مبنای از هم ریختن تمدن ایران و روم ایجاد گشته و عرب‌ها طبعاً از تمدن و شهرنشینی دور بوده‌اند. (زیدان، ۱۳۸۹: ۸) در مقابل دسته دیگری از محققان، تمدن اسلامی را دارای هویت تاریخی آن‌چنان شایسته‌ای می‌دانند که خدمات ارزنده‌ای در حوزه‌های مختلف به بشریت عرضه نموده است. هرچند این دسته از محققان موافق تمدن اسلامی نیز خود به سه گروه قابل تقسیم هستند. گروه اول، ضمن قبول واقعیت تمدن اسلامی، آن را در عصر حاضر ناکارآمد دانسته و تمدن اسلامی را موضوعی به تاریخ پیوسته تلقی می‌کنند. (جان احمدی، ۱۳۹۰: ۵۶) گروه دوم از محققان موافق تمدن اسلامی، ضمن تأکید بر نظامات مادی و معنوی تمدن اسلامی که از کتاب قرآن سرچشمه گرفته است، بر تداوم و تأثیر این تمدن تا به امروز، اعتقاد راسخ دارند. (زرین کوب، ۱۳۹۱: ۲۱) گروه سوم که قائل به تمدن نوین اسلامی هستند، علاوه بر پایبندی به شاخصه‌های تمدن اسلامی، بر این باورند که به منظور متناسب‌سازی تمدن اسلامی با مقتضیات زمان و نیازهای جدید بشری و نیز به منظور پویایی تمدن اسلامی در مواجهه با تمدن غرب، توجه به مسائل نوین ضروری است. از جمله این شاخصه‌های نوین می‌توان به ابتکار، خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، بهبود روابط بین‌الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدیدی بشری اشاره نمود. (اکبری، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

در خصوص سرنوشت تمدن‌ها، ترقی و سقوط آن‌ها، چندین دیدگاه و نظریه وجود دارد. الف: نظریه تکامل، دیدگاه مربوط به مارکسیست‌ها که ناشی از توجه ویژه آنان به جبر تاریخ است. ب: نظریه انحطاط، بر این باور است که منتهای سیر تمدن‌ها، انحطاط و زوال است. ج: نظریه دورانی ایستا، بر اساس این دیدگاه، تمدن بشری مراحل مختلفی را طی می‌کند و پس از زمان پیری به زوال می‌رسد و سپس تمدن‌های دیگری می‌آیند و همان سرنوشت را پیدا می‌کنند. (قانع، ۱۳۷۹: ۳۵) د: نظریه دورانی تشکیکی یا حلزونی معتقد است که هر امتی مراحل متعددی دارد تا به مرحله انحطاط می‌رسد و نوبت به جوامع بعدی می‌رسد، ولی این ویژگی مربوط به امت‌ها و جوامع خاص و یا مربوط به تک‌تک جوامع است. مطابق این نظریه، سرنوشت کلی و نهایی جوامع بشری، غیر از سرنوشت جوامع خاص و تک‌تک آن‌هاست و فراز و نشیب‌های جوامع خاص و جزئی، مقدمه ظهور جامعه سعادت‌مند و سعادت‌بخش بوده، بهترین جامعه آرمانی بشر محقق خواهد شد. (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۲۱)

انحطاط مفهومی چندوجهی و دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن است. انحطاط تمدن‌ها، عبارت است از توقف رشد آن یا برآورده نشدن و ظاهر نشدن جلوه‌های یک تمدن، آن گونه که لازمه آن تمدن و قابل‌انتظار از آن تمدن است. (محمدی شیخی، ۱۳۸۹: ۵۵) انحطاط تمدن‌ها می‌تواند معلول عوامل داخلی یا خارج از یک تمدن باشد و نیز می‌تواند از ناحیه عوامل انسانی و یا طبیعی باشد. منظور از انحطاط و عقب‌ماندگی تمدن اسلامی، مجموعه علل و عوامل انسانی، اعم از داخلی و خارجی است که منجر به کند شدن و ظاهر نشدن جلوه‌های این تمدن در برهه‌ای از تاریخ حیات خود گردید. یکی از عوامل مهم انحطاط تمدن‌ها، تنش‌های فرقه‌گرایانه است. فرقه در لغت به معنای جدایی، دوری، دسته، گروه و طایفه است. (معین، ۱۳۷۱: ۲۵۲۳) فرقه در اصطلاح، به تجمع خاص اشخاصی که به آیینی می‌گروند که توسط همگان به رسمیت شناخته نشده است و در برابر نهادهای اساسی جامعه قرار دارد، اطلاق می‌گردد. (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۳۳) وحدت و یکپارچگی جامعه مسلمانان در صدر اسلام، پس از رحلت پیامبر (ص)، دچار گسست و شکاف شد و به زودی، وحدت اسلامی جای خود را به تفرقه و چنددستگی داد. تاریخ فرقه‌گرایی در اسلام به اندازه تاریخ اسلام، قدمت و سابقه دارد. در خصوص علل و عوامل فرقه‌گرایی در میان مسلمانان در ابتدا بایستی تاریخ اسلام را به دو بخش، تاریخ قرون اولیه

اسلام و تاریخ معاصر اسلام تقسیم نمود. علل فرقه‌گرایی در قرون اولیه اسلام، دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مانند اختلاف نظر در مسئله خلافت و امامت، منع کتابت حدیث در زمان خلفا و تعصبات عربی و جاهلی و لجاجت بود. علل و عوامل تفرقه مسلمانان در دوران معاصر به دو بخش عوامل داخلی و خارجی قابل تفکیک است. دوری از آموزه‌های اسلام، اصلی‌ترین عامل داخلی فرقه‌گرایی در اسلام دوران معاصر است. در بخش عوامل خارجی، موضوعاتی همچون توطئه‌های استعمارگران و نفوذ اندیشه‌های وارداتی از برجسته‌ترین عوامل فرقه‌گرایی در اسلام بشمار می‌آیند. در قرآن کریم در آیات متعددی مسلمانان به اتحاد و یکپارچگی دعوت شده و هرگونه اختلاف و پراکندگی در میان آنان تقبیح شده است. (سوره انفال، ۴۶) آیات دیگری از قرآن، اختلاف و پراکندگی در حد شرک و شرک‌گرایی تلقی شده و تفرقه و پراکندگی را سبب شکست و انحطاط جامعه معرفی نموده است. (سوره روم، ۳۲) آیاتی از قرآن کریم، تفرقه و اختلاف را باعث تسلط گروهی بر سایر گروه‌ها معرفی نموده که نتیجه آن خشونت، ظلم و بیداد است که از آن به عنوان عذاب الهی یاد شده است. «ای پیامبر، بگو او قادر است که عذابی از بالای سرتان یا از زیر پایتان بر شما برانگیزد و یا شما را دچار آفت خانمان‌سوز پراکندگی سازد و طعم تلخ جنگ و فشار و خشونت را توسط خود شما بر یکدیگر بچشاند. بنگر چگونه آیات گوناگون را برای آنان بازگو می‌کنیم شاید بفهمند» (سوره انعام، ۶۵)

در اوایل دوره قاجاریه در میان اختلاف دیدگاه علمای اصولی و اخباری شیعه، تفکر شیخیه از میان اندیشه اخباری‌گری به ظهور رسید. در ادامه این تفکر و با دخالت عوامل داخلی و خارجی، فرقه بابیه به وجود آمد که استمرار و جرح و تعدیل آن در فرقه‌ای با نام بهائیت بروز یافت. (فضایی، ۱۳۸۷: ۴۵ و ۵۲) فرقه‌های بابیت و پس‌از آن بهائیت، هرچند از میان اسلام برخاسته بودند، اما عقاید و باورهای آنان، باعث رانده شدن این دو از دایره دین اسلام گردید. بهائیت که امروزه مرکزیت آن بیشتر در اسرائیل و آمریکا است (ماکسول، بی‌تا: ۲۷۷) در طول دو قرن اخیر در ابعاد مختلف، اقدامات آسیب‌زایی را در راستای تسریع در تخریب و تضعیف تمدن اسلامی به عمل آورده است. در خصوص عوامل اعتلا و انحطاط تمدن اسلامی تاکنون پژوهش‌های پرشماری در قالب کتاب و مقاله، تهیه و تدوین شده است. در خصوص تاریخچه، عقاید و فعالیت بهائیت نیز پژوهش‌های ارزنده‌ای چاپ و نشر شده

است. سؤال اصلی این پژوهش، نحوه مواجهه بهائیت با تمدن اسلامی چگونه بوده است؟ فرضیه پژوهش نیز عبارت است از اینکه، بهائیت از راه فرقه‌گرایی و تعامل مثبت با دشمنان تمدن اسلامی برای تخریب و انحطاط تمدن اسلامی کوشیده است. پژوهش حاضر که موضوع جدیدی در این حوزه است، تحقیقی با رویکرد تفسیری از نوع کیفی در موضوع تمدن اسلامی و بهائیت است که با روش کتابخانه‌ای تهیه و تدوین شده است.

۱- تاریخچه بهائیت

پس از انقراض سلسله صفویه، میان فقهای شیعه درباره چگونگی استنباط احکام مسائل فرعی از منابع فقهی اختلاف سلیقه پیدا شد و آنان به دو دسته اصولیون و اخباریون تقسیم شدند. مبنای اندیشه اخباری، تأکید بر ظواهر قرآن و سنت و پیروی مطلق از آنها و نیز نفی مجتهدان و هرگونه تکاپوی اجتهادی در دین بود. (گل صفت، ۱۳۸۳: ۲۱۷) در اوایل دوره قاجار، یکی از عالمان اخباری، بانی باورهای جدیدی در مذهب تشیع شد که از آن به شیخی‌گری یاد می‌شد. شیخی‌گری همان مذهب تشیع بود با این تفاوت که در این آئین، بیشتر درباره امامان غلو شده و در باب امام غایب، معاد و موضوع معراج، عقاید تازه‌ای اظهار شده بود. (فضایی، ۱۳۸۷: ۹) از دیگر اصول عقاید شیخیه، اعتقاد به رکن رابع، شیعی کامل و باب بود. از نظر شیخیه، شیعی کامل واسطه میان مؤمنین و امام غایب محسوب می‌شد و واسطه فیض میان امت و امام بود. از جمله شاگردان آئین شیخیه، یکی هم فردی به نام علی محمد شیرازی بود که ادعای شیعی کامل و باب بودن نمود و در میان مدعیان این جایگاه موفق گردید که تعدادی از هم‌مسلمانان را به دور خود جمع نماید. (افراسیابی، ۱۳۸۲: ۷۶) اوضاع و احوال نابسامان دوره قاجاریه مانند شکست‌های ایران در جنگ با روس‌ها، سختی، فساد و فشار استبداد حاکمان، وخامت اوضاع اقتصادی و سیاسی، ظلم و جور مالکان، ناامنی، فقر بهداشتی و گسترش امراض و بیماری‌های مسری، مردم این دوره را بیش از پیش علاقه‌مند به ظهور امام غایب نجات‌بخش نموده بود که البته آمال و آرزوی همه ادیان و مذاهب است. (فضایی، ۱۳۸۷: ۸۶) این عوامل و فعالیت داعیان علی محمد شیرازی به اضافه دعوی اصلاح و نجات که از سوی وی مطرح شده بود، باعث گرایش عده‌ای از مردم ساده‌دل به ادعاهای او گردید. به زودی علی محمد شیرازی با توجه به شرایط مناسب به وجود آمده، ادعای بابیت را

به ادعای مهدویت تغییر داد و در ادامه، ادعای نبوت و رسالت نمود. عقاید فرقه بابیه از درهم آمیزی آموزه‌های ادیان اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشتی به اضافه مطالب و فرضیه‌های فلسفی و علوم اعداد و حروف ابجد شکل گرفته بود. (لوی، ۱۳۳۹: ۶۰۲)

پس از مرگ باب، جانشینی او به میرزا یحیی نوری، معروف به صبح ازل رسید. پس از مدتی، میرزا حسینعلی نوری، برادر بزرگ‌تر میرزا یحیی، توانست با ترفندهایی، برادر کوچک‌تر را کنار زده و خود را جانشین اصلی باب معرفی نماید. به دنبال درگیری دو برادر و طرفداران آنان بر سر مسئله جانشینی، میرزا حسینعلی که به بهاء‌الله ملقب شده بود به عکا، شهری در فلسطین تبعید شد. بهاء فرقه بهائیت را در ادامه بابت به وجود آورد و در سال‌های اقامتش در عکا، با فراغت و آسودگی اقدام به ایجاد روش تازه برای بهائیان نمود. (فضایی، ۱۳۸۷: ۱۸۱) پس از مرگ بهاء، فرزندش عباس افندی، ملقب به عبدالبهاء به ریاست فرقه رسید. وی ضمن توجه به گسترش بهائیت، با برقراری روابط جدی با انگلستان و آمریکا، نقش مهمی در تاریخ وابستگی این فرقه بازی کرد (رائین، بی تا: ۱۱۸) و علاوه بر آن، بسیاری از اشتباهات و لغزش‌های پدرش را اصلاح نمود. پس از مرگ عباس افندی، نوه دختری وی، شوقی افندی رئیس بهائیان شد. وی تلاش نمود همه خویشاوندان را از خود دور نماید به طوری که پس از مرگ وی در سال ۱۹۵۷ م تمام امور بهائیان به دست بیگانگان غیر ایرانی افتاده بود. (صبحی مهتدی، ۱۳۴۷: ۲۲۴) پس از مرگ شوقی گروهی ۹ نفره با عنوان بیت‌العدل که در حيفا مسقر است، اداره امور بهائیان را در دست دارند.

بهائیت ادامه دو فرقه شیخیه و بابیه بود که به نوعی صورت منظم و شکل یافته فرقی پیشین بود. بهائیت نیز همچون بابیت به علت ذهنی و تلفیقی بودن، جوابگوی نیازهای اساسی اجتماعی، اقتصادی و عقیدتی جامعه نبود؛ زیرا فاقد برنامه‌های اساسی اقتصادی و افکار و فلسفه منطقی نو و پیشرو بود، بلکه در رابطه با مقتضیات عصر تجدد قرن ۱۹ م غرب و تحولاتی که در سیاست و شیوه‌های فکری و اجتماعی که در آنجا پدید آمده بود، در افکار پیشوایان بهائیت نیز اثر گذاشته بود. از این رو، اهداف کلی و جهانی آنان که شامل وحدت ادیان، وحدت زبان، وحدت انسانی و اعلام بیت‌العدل اعظم به عنوان یک مجمع عمومی جهانی، حاکی از تأثیر آنان از تمدن غرب بود و این آرمان‌ها قبل از بهائیت در اندیشه‌های جدید عصر نهضت اروپایی و غربی بود. (فضایی، ۱۳۸۷: ۱۵) بهائیت به عنوان فرقه‌ای که

در جهان اسلام به وجود آمد و به تدریج به فرقه‌ای ضاله (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹: ۲۳۷) تبدیل شد در ابعاد گوناگون، موجب انحطاط و عقب‌ماندگی تمدن اسلامی گردید. ره‌آورد شکل‌گیری بهائیت در تاریخ تمدن اسلام، گسترش معضل انشعاب و فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام، ایجاد منازعات و خشونت‌های سیاسی و اجتماعی، زمینه‌سازی دخالت دولت‌های استعماری در سرزمین‌های اسلامی و هم‌نوایی با برنامه‌های آنان، و حمایت از تشکیل رژیم غاصب اسرائیل در سرزمین‌های اسلامی و همکاری با آنان بوده است.

۲- بهائیت، انشعاب در جهان اسلام

انسجام‌بخشی یکی از کارکردهای اساسی دین است. (کوزر، ۱۳۶۷: ۲۰۰) بر این اساس دین با مجتمع نمودن عده‌ای از انسان‌ها حول محور عقاید و باورها و ارزش‌های خاص و مشترک، در میان آنان نظم و انسجام ایجاد می‌نماید که به وحدت و یکپارچگی یک جامعه می‌انجامد. شالوده اصلی تمدن اسلامی نیز دین اسلام است که با ایجاد روح غرور و همبستگی (ابن خلدون، ۱۳۳۶: ۳۰۱) توانسته روحیه همکاری و تعاون هدفمند (دورانت، ۱۳۶۷: ۴۶) را در میان مسلمانان ایجاد نماید. فرقه‌گرایی یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند مانع کارکرد انسجام‌بخشی دین شده و از عواملی است که می‌تواند موجبات بی‌ثباتی و ناپایداری تمدن را فراهم نماید. از آنجاکه فرقه، انشعاب و انحراف از دین اصلی است، لذا با آن مخالف و ناسازگار است. فرقه‌ها تمامیت گرا هستند و تمایلی به همزیستی با دیگران ندارند و از سوی دیگر متعصب بوده و بر درستی عقاید خود اصرار دارند. (حاجیان، ۱۳۸۳: ۲۳۷)

اعتقاد به منجی عدالت‌گستر جهانی که با قیامش در آخرالزمان جهان را به عدل و داد می‌آراید، نوید مشترک همه ادیان الهی است. در این میان، اسلام در قیاس با ادیان پیش از خود، سیمایی شفاف‌تر از موعود جهانی به دست می‌دهد. ایمان به منجی عدالت‌گستر آل رسول (ص) وجه مشترک عقاید مسلمانان اعم از شیعه و سنی است. (پورصالحی، ۱۳۷۸: ۷۰) در میان مذاهب اسلامی، تشیع اثنی عشری بر اساس آیات و روایات، چهره‌ای کاملاً روشن و قابل‌ردیابی از تبار، شخصیت، زندگی و قیام مهدی (عج) ارائه نموده و ختم امامت به ایشان از اصول مسلم اصول دین است. علی‌محمد شیرازی در اواخر عمر خود، زمانی که در تبریز بود، ادعای قائمیت نمود و مدعی شد که وی همان کسی است که مردم هزار سال است

که منتظر او هستند. (خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۲۷۰) برخی از سران بهائی نیز این ادعا را تأیید نمودند. شوقی افندی، مدعی بود که باب، همان قائم موعود و مهدی معهود، صاحب‌العصر و زمان است. (موسوی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۴) برخی از نویسندگان بهائی نیز بر آنند که تعبیر و مراد، بقیه‌الله که در اعترافات علی محمد شیرازی آمده در خصوص حسینعلی نوری (بهاء‌الله) بود. (موسوی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۷) باور به مهدویت در میان مسلمانان موجب امیدواری به آینده‌ای روشن و غایت‌مندی و معناداری زندگی است، اما ادعای باب و بهائیان ضمن به چالش کشیدن این باورها، انحراف دیگری را در میان مسلمانان به وجود آوردند.

نبوت یا پیامبری بر اساس کتاب قرآن گزینشی الهی است که خداوند، معارف الهی را بر انسان برگزیده‌اش وحی می‌کند تا اخلاق و کردار بندگان را در مسیر کمال و سعادت، رهبری و هدایت نماید. اعتقاد به نبوت از ضروریات دین اسلام و همه ادیان آسمانی است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۱۹۵) پایان نبوت و به عبارتی خاتمیت، به این معنا است که پس از حضرت محمد (ص) پیامبر دیگری نخواهد آمد، (سوره احزاب، ۴۰) از آموزه‌های مشترک همه مسلمانان است. این آموزه همواره از ضروریات دین اسلام بوده و هر کس که خاتمیت پیامبر (ص) را نپذیرد، خارج از دین اسلام قرار می‌گیرد. علی محمد شیرازی پس از ادعاهای بابت و مهدویت، ادعای نبوت را مطرح نمود. وی در نوشته‌هایش از بعثت الهی خود خبر می‌دهد و از کتاب بیان به عنوان کتابی آسمانی و معجزه خود یاد می‌کند. وی بر اعتبار و حجیت کتاب خود تأکید می‌کند و خود را حجت خدا در زمین می‌نامد که این ادعا، ادعای بعثت و نبوت است. (شاهرودی، ۱۳۹۲: ۵۸) علی محمد شیرازی پیش از مرگ وعده ظهور *مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ* (کسی که خدا او را ظاهر خواهد کرد) را داده بود که در آینده ظهور خواهد کرد. حسینعلی نوری نخستین کسی بود که به فاصله اندکی از مرگ باب، ادعای *مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ* نمود و راه را برای ادعای نبوت خود هموار کرد. بهاء‌الله خود را پیامبر بزرگی می‌دانست و مدعی بود که جانشین خدا در آفریدن جهان بوده است. (کسروی، بی‌تا: ۷۲) ادعای نبوت بهاء هر چند وی را از دایره اسلام خارج نمود، اما اختلاف جدیدی را در میان مسلمانان ایجاد نمود که باعث شد عده‌ای از مسلمانان بر اساس گرایش به عقاید وی از جهان اسلام بیرون شوند. انحرافات فرقه‌گرایانه یکی از موانع اساسی تحقق و برقراری جامعه دینی هدف‌دار و تمدن‌ساز و عامل مهم تضعیف ارزش‌های بنیادین و حیاتی نظام دینی بوده است. (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۵)

۳- بهائیت، ایجاد منازعات سیاسی و اجتماعی (خشونت)

فرقه‌هایی همچون بهائیت که از میان فرقه بابیت در تاریخ تمدن اسلامی ظاهر شده‌اند بنا بر عللی همچون کوچک بودن و محدودیت اعضا، تعصب و جزمیت اعضا بر باورهای خود، افراط‌گری و تندروی نسبت به دیگران، اهمیت محوری سران و رهبران فرقه، غیرآشکار و غیرقانونی بودن فرقه و انشعاب درون فرقه‌ای (حاجیان، ۱۳۸۳: ۲۴۵) منشأ و زمینه‌ساز بروز خشونت بوده‌اند. بهائیت هرچند در ظاهر فرقه‌ای با تفکرات مسالمت‌آمیز است؛ اما نگاهی به تاریخ نه‌چندان طولانی این فرقه نشان از خشونت‌گرا بودن آن دارد که در پس بسیاری از حوادث و وقایع مرتبط با این فرقه قابل مشاهده است. فرقه‌های بابیت و بهائیت در زمان شکل‌گیری، درگیری‌های خشونت‌باری را علیه مردم عادی، سایر فرق و حاکمیت رقم زدند و حتی سطح خشونت‌طلبی خود را تا ترور عالی‌ترین مقام سیاسی کشور بالا بردند. فرقه‌هایی مانند بهائیت با ایجاد شکاف ایدئولوژیکی در جامعه اسلامی از طریق ترویج آرمان‌های التقاطی و خرافی، ضمن ایجاد دوگانگی‌های اجتماعی، جامعه اسلامی را به سوی تضاد و خشونت سوق دادند. (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۶)

از جمله مصادیق ترویج خشونت در کتاب بیان، کتابی که مورد تقدس بابیان و بهائیان است، برخورد خشونت‌آمیز و مصادره اموال کسانی است که به کتاب بیان ایمان ندارند. (بیان فارسی، باب پنجم، واحد پنجم: ۱۵۷) در کتاب بیان بر پادشاه بابی و سایر پیروان باب واجب شده است که حتی یک نفر غیر مؤمن به باب را در سرزمینشان باقی نگذارند. (بیان فارسی، باب شانزدهم، واحد هفتم: ۲۶۲) حکم دیگری که در کتاب بیان با صراحت، مروج خشونت است، حکمی مبنی بر اخراج همه افراد غیر بابی از مازندران، فارس، آذربایجان و عراق عجم است. (بیان فارسی، باب چهارم، واحد شش: ۱۹۳) شورش‌های مسلحانه بابیان علیه مردم و حاکمیت ایران در مازندران، نیریز و زنجان در دوره قاجاریه در همین راستا بود. به نقل از گزارش سفیر روسیه در ایران، فقط در یک مورد از این شورش‌ها که در مازندران اتفاق افتاد، حدود یک‌صد نفر از اهالی منطقه به قتل رسیدند. (افراسیابی، ۱۳۸۲: ۲۷۲) در گزارش دیگری از همین سفیر، آمده است که تعداد ۱۵۰۰ نفر سرباز در شورش زنجان کشته شده‌اند. (افراسیابی، ۱۳۸۲: ۲۸۱) این‌گونه اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز ناشی از این خصیصه این‌گونه از فرقه‌هاست که بر درستی عقاید خود تعصب شدید دارند. (توسلی، ۱۳۸۰: ۳۱)

پس از مجازات باب که با درایت و محوریت امیرکبیر، که در مسیر دولت سازی و افزایش اقتدار دولت مرکزی گام برمی داشت، (حاجی ناصری، ۱۳۹۹: ۸۴) به انجام رسید، ترور امیرکبیر در دستور کار طرفداران باب قرار گرفت. این برنامه قبل از اجرا، کشف گردید و عوامل آن دستگیر و تنبیه شدند. در میان دستگیرشدگان، حسینعلی نوری نیز حضور داشت که به اتهام همدستی با سوء قصد کنندگان به کربلا تبعید گردید. دو سال بعد، نقشه ترور ناصرالدین شاه در دستور کار بابیان قرار گرفت. برنامه ترور شاه انجام شد؛ اما ناکام ماند و تمام کسانی که در برنامه ریزی و اجرای این عملیات نقش داشتند، از جمله بهاء، دستگیر شدند. فرقه بهائیت پس از ایجاد دو انشعاب ازلی و بهائی از فرقه بابیت در سرکوب فرقه رقیب تا حد قتل و کشتار اعضای آن فرقه، بی رحمی و خشونت خود را به نمایش گذاشت. قتل ازلیان مقیم عکا به دستور بهاء الله که طی آن چند نفر از ازلیان به قتل رسیدند، از نمونه اعمال خشونت آمیز در ضدیت با سایر فرق بود. (موقر بالیوزی، بی تا: ۴۱۰) ویژگی تمامیت گرا بودن باعث می شود که فرقه فاقد خصوصیت همزیستی و آشتی جویی با سایر گروه های مذهبی مخالف باشد. (خسروپناه، ۱۳۹۴: ۲۵) فرقه بهائیت در ادامه فرقه بابیت با دست زدن به انواع خشونت ها در تاریخ تمدن اسلامی، نقش مستقیمی در ایجاد بی ثباتی (جانسون، ۱۳۶۳: ۲۱) سیاسی در میان ملل اسلامی داشته است که در تضعیف و انحطاط تمدن اسلامی مؤثر بوده است.

۴- بهائیت، زمینه سازی نفوذ و دخالت دشمنان تمدن اسلامی (کشورهای استعمارگر)

عوامل خارجی از جمله عناصری هستند که در جهت ترویج فرقه گرایی در درون سازمان های دینی، نقش بسزایی دارند. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۴۰) از جمله عوامل مؤثر در تضعیف و انحطاط تمدن اسلامی، به خصوص در قرون اخیر، دخالت و نفوذ قدرت های بیگانه به عنوان دشمنان تمدن اسلامی در امور جوامع اسلامی بوده است. قدرت های استعماری برای دستیابی به اهداف و منافع خود و همچنین تحت فشار قرار دادن سایر دولت ها، از ابزارها و شیوه های متفاوتی سود می بردند. ایجاد و حمایت از فرقه گرایی در میان جوامع اسلامی از جمله شگردهایی بوده که استعمارگران از آن بهره برداری نموده اند. حرکت باب که در زمان خودش، به علت فقدان هرگونه نهاد مردمی و اجتماعی، توانسته بود با سوء استفاده از

نارضایتی‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی در قالب و رنگ و بوی مذهب، شورش‌هایی را ایجاد نماید، قدرت‌های بیگانه را به فکر استفاده از حربه مذهب در جهت دستیابی به منافع خود انداخت. جنبش تنباکو که طی آن با هدایت و مدیریت علمای مذهبی، پیروزی اراده مردم در برابر ناصرالدین‌شاه رقم خورد، توجه قدرت‌های بیگانه را جهت استفاده از حربه مذهب بیش از پیش به خود جلب کرد. (افراسیابی، ۱۳۸۲: ۸) بنابراین ایجاد شکاف و تفرقه‌افکنی از طریق راه‌اندازی فرقه‌های ساختگی در میان مسلمانان به دستاویز دائمی و کارآمد دول استعمارگر تبدیل گردید. فرقه‌ها برای حفظ خود و اثبات برتری نسبت به سایر گرایش‌ها، دست به هرگونه اقدامی می‌زدند. قدرت‌های استعماری برای بسط نفوذ و گسترش قدرت خود در کشورهای هدف، بنا به شرایط و مقتضیات از ترویج و تشکیل فرقه‌ها حمایت می‌نمایند. فرقه‌های ایجادشده نیز برای استمرار حیات خود در برابر سازمان مذهبی مسلط و نیز تأمین و تضمین موقعیت برتر خود (کوزر، ۱۳۶۷: ۲۵۴) حاضر به ارائه خدمات در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی، تبلیغی و غیر آن به استعمارگران می‌شوند. تاریخ بابیت و بهائیت به عنوان فرقه انحرافی در میان مسلمانان از بدو تأسیس تا سال‌های پس‌از آن، شاهد حمایت‌ها و پشتیبانی‌های کشورهای خارجی صاحب نفوذ در بلاد اسلامی بوده است.

با توجه به گسترش نفوذ روسیه تزاری در ایران، به خصوص در سال‌های پس از انعقاد قرارداد ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ م، سیاست بلندمدت روسیه در ایران که همانا ویرانی و فساد ایران بود (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۱۴) آشکار و علنی شد؛ اولین دخالت مستقیم روس‌ها در قضایای فرقه بابیه، وقایع پس از ترور نافرجام ناصرالدین‌شاه توسط بابیان بود. عده‌ای از افراد مؤثر در این حادثه دستگیر، زندانی و اعدام شدند، اما با دخالت مستقیم سفیر روسیه تزاری، پرنس دالگورکی، حسینعلی نوری که از افراد شاخص این عملیات بود از زندان آزاد و با همراهی عوامل سفارت به بغداد تبعید شد. (کسروی، بی تا: ۸۹) روسیه تزاری که بهائیت را عامل مناسبی جهت تأمین منافع خود، چه از جهت استفاده از آنان به عنوان عوامل نفوذی خود در میان ملل اسلامی (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۸، جلسه ۱۶۰) و یا ضربه زدن به عقاید و باورهای مسلمانان یافته بود، خدمات ویژه‌ای را به بهائیان ارائه داده بود. اولین معبد و مرکز تبلیغی بهائیان با نام مشرق‌الاذکار (محل برآمدن ذکر الهی) در خاک روسیه

و شهر عشق آباد تأسیس شده بود. حاجی میرزا محمدتقی افغان و کیل الدوله، بنیان‌گذار مشرق الاذکار عشق آباد، از مقربان درگاه بهاء‌الله و عبدالبها به همراه خانواده‌اش از نمایندگان تجاری روسیه در ایران بودند و به عنوان نماینده رسمی دولت روسیه، پرچم روسیه را بر سر در منزل خود در یزد آویخته بودند. وی از تجار عمده تریاک و افیون در ایران و کشورهایمانند چین بود. (افشار، ۱۳۸۰: ۴۳۴) از تریاک به عنوان جاده صاف کن نفوذ استعمار در سایر کشورها یاد می‌شود. (آذری، ۱۳۲۸، ۱۸۶) با استقرار دولت شوروی به تدریج نگاه دولت جدید نسبت به بهائیان مستقر در این کشور تغییر یافت و پس از اثبات ارتباط اعضای این فرقه با سرویس جاسوسی انگلستان در شوروی (ساسانی، ۱۳۵۲: ۱۰۲) عده‌ای از بهائیان دستگیر، تبعید و زندانی شده و مرکز مشرق الاذکار تعطیل شد.

دومین کشور استعماری که بهائیت پیوند عمیقی با آن برقرار کرد، انگلستان بود. از آنجاکه بهائیت از جمله حربه‌های سیاسی مؤثری بود که دولت روسیه از آن برای نفوذ و ایجاد اختلاف در میان مسلمانان استفاده می‌کرد، دولت انگلستان نیز در رقابت با روسیه، تلاش نمود که این دستاویز سیاسی را گرفته و از آن استفاده نماید. (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۳۱۵) در ببحوجه جنگ اول جهانی، زمانی که قوای انگلیسی تحت فشار ارتش عثمانی در تنگنا و گرسنگی قرار گرفتند، بهائیان در همکاری علنی با انگلستان علیه دولت مسلمان عثمانی، انبارهای آذوقه گندم خود را در اختیار انگلیسی‌ها قرار دادند. (رائین، بی‌تا: ۱۲۷) پس از پایان جنگ اول جهانی و اضمحلال دولت عثمانی، سرزمین‌های این امپراتوری در میان دولت‌های فاتح جنگ تقسیم شد و قیمومت سرزمین فلسطین که دو مرکز مهم بهائیت یعنی عکا و حیفا در آن قرار داشت، توسط جامعه ملل به انگلیسی‌ها واگذار گردید. در این زمان عبدالبهاء تلاش و کوشش فراوانی در راستای تأمین منافع دولت انگلستان به انجام رسانید وی از طریق ارائه مشورت و نفوذ خود در حیفا در جهت خیر و صلاح دستگاه نظامی و اداری انگلیسی‌ها گام‌های مؤثری برداشت. (رایت، ۱۳۶۴: ۲۸۶) با دستور مقامات عالی‌رتبه دولت انگلستان، نیروهای نظامی این دولت، مستقر در فلسطین، وظیفه داشتند از مقامات مقدسه بهائیان، حراست و حفاظت نمایند. (آهنگ بدیع، ۱۳۵۲: ۱۳) در سال ۱۹۲۰ م دولت انگلستان با برپایی مراسمی، لقب سر نشان شوالیه امپراتوری را به عباس افندی (عبدالبهاء) که پس از مرگ پدرش، حسینعلی نوری بهاء‌الله، جانشین او شده بود اعطا کرد. اعطای این نشان به عبدالبهاء، پاداش خدمات

گران‌بهایی بود که وی به انگلیسی‌ها در بحبوحه جنگ اول جهانی علیه عثمانی‌ها که بخش عمده‌ای از سرزمین‌های اسلامی را در اختیار داشت، ارائه داده بود. (رائین، بی‌تا: ۱۱۸) خیانت و جاسوسی بهائیان علیه دولت عثمانی و خدمت به دولت استعماری انگلستان از عوامل تسریع‌کننده اضمحلال دولت مسلمان عثمانی و چند پاره شدن سرزمین‌های اسلامی بود. از سوی دیگر، عبدالبهاء با پذیرش این لقب و عنوان، علاوه بر آنکه تبعیت از اوامر دولت انگلستان را پذیرفت، به تابعیت این دولت نیز درآمد. از آن پس بهائیان فلسطین مورد توجه و اطمینان مقامات انگلیسی قرار گرفتند، تا جایی که برخی پست‌ها و مقامات حساس نیز به آنان واگذار شد. سرسپردگی بهائیان به انگلستان و نقش آنان در تضعیف ملل اسلامی در این جمله آیت‌الله کاشانی به خوبی بیان شده است که، انگلیسی‌ها نفت ما را به غارت برده و... بهائیان را تقویت می‌کنند. بهائی‌ها اگر تقویت شوند، تمام مسلمان‌ها را از بین خواهند برد، زیرا نقشه انگلیسی‌ها مخالفت با اسلام است و به این وسیله می‌خواهند اسلام را از بین ببرند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹: ۳۱۶)

مهم‌ترین کشوری که بهائیت با آن پیوندهای دیرینه دارد و در قرن حاضر در جایگاه قدرتمندترین کشور استکباری قرار گرفته، کشور آمریکا است. از نظر بهائیان هرچند ایران مهد بهائیت است اما، مهد نظم و ثقل امر بهائیت آمریکا است. (ماکسول، بی‌تا: ۳۰۹) عبدالبهاء بر این باور بود که قدرت و عظمت بهائیت از طریق آمریکا جهانگیر خواهد شد. (آهنگ بدیع، ۱۳۳۲: ۱۰۶) در حال حاضر مهم‌ترین مشرق‌الاذکار (محل برآمدن ذکر الهی) بهائیان در شهر شیکاگو آمریکا قرار دارد که سنگ بنای اولیه آن در سال ۱۹۱۲ م توسط عباس افندی گذاشته شده بود و از تمام مالیات‌های مرسوم در آمریکا معاف بود. آمریکا که سردمدار نظام سرمایه‌داری جهان است از طُرُق مختلف سیاسی، اقتصادی و غیر آن از فرقه بهائیت حمایت می‌نماید. بدیهی است که هدف از این پشتیبانی، تأمین همه‌جانبه منافع کشور آمریکا است. در این خصوص عبدالبهاء در یکی از سخنرانی‌های خود گفته بود «از برای تجارت و منفعت ملت آمریکا مملکتی بهتر از ایران نه. چه که مملکت ایران مواد ثروتش همه در زیر خاک پنهان است. امیدوارم ملت آمریکا سبب شوند که آن ثروت ظاهر شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، بی‌تا، ج ۲: ۳۳) دامن زدن به اختلافات در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، مذهبی و غیر آن در میان کشورهای اسلامی و ایجاد فرصت غارت منابع و ثروت آنان مانند نفت و

نیز بهره‌برداری از سازمان بهائیت برای مقاصد جاسوسی در میان ملل اسلامی (طبری، ۱۳۵۶: ۱۱۷) از مهم‌ترین عوامل ایجاد پیوند میان آمریکا با محافل بهائیت بوده است.

۵- بهائیت، حمایت از دشمنان تمدن اسلامی (صهیونیسم و رژیم اشغالگر قدس)

تاریخ خصومت یهودیان با اسلام، سابقه‌ای طولانی از صدر اسلام تاکنون دارد. یهودیان بنا به دلایل مختلفی مانند حسادت بر حضرت رسول (ص) (سوره بقره، ۸۹)، نژادپرستی (سوره جمعه، ۶) و مال‌اندوزی و دنیاطلبی (سوره بقره، ۹۶) با اسلام و مسلمانان دشمنی داشته‌اند. در قرون اخیر، بخشی از یهودیان در قالب تفکر صهیونیسم که حرکتی نژادپرستانه به منظور رسیدن به قدرت سیاسی است (شیرودی، ۱۳۸۱: ۲۹) و از سوی قدرت‌های بزرگ استعماری به منظور یافتن جای پای در میان کشورهای اسلامی، به خصوص در غرب آسیا، حمایت و پشتیبانی می‌شود، (ایوانف، ۱۳۵۶: ۷۴) اقدام به تأسیس کشوری به نام اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس) در این منطقه نموده‌اند. صهیونیست‌های اسرائیل برای به چالش کشیدن تمدن اسلامی، راهبردهای گسترده و همه‌جانبه‌ای را برنامه‌ریزی نموده‌اند که در رأس آن، اشغال سرزمینی در مناطق اسلامی و آوارگی مسلمانان بوده است. صهیونیست‌ها می‌دانند که بدون تغییر در باورهای فرهنگی و معنوی جوامع اسلامی امکان دستیابی به اهداف خود را ندارند، در تکاپو هستند تا با تغییر و تخریب ارزش‌های انسانی و اعتقادات دینی مسلمانان به این هدف دست یابند. آنان برای ارائه چهره‌ای منفی از اسلام و تمدن اسلامی کوشیده‌اند تا با استفاده از ترندهای گوناگون، نبض اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه را در دست گرفته و سپس منحرف نمایند. (جدید بناب، ۱۳۸۶، ۱۸۲) تسلط بر مراکز علمی، خبری و اطلاع‌رسانی، هنری و شبکه‌های تلویزیونی، بخش دیگری از اقدامات صهیونیست‌ها در راستای تضعیف و تخریب فرهنگ اسلامی بوده است. (جدید بناب، ۱۳۸۶: ۶۹) حمایت از فرقه‌گرایی در جهان اسلام از دیگر برنامه‌های صهیونیست‌ها در جهت تضعیف و انحطاط تمدن اسلامی قلمداد می‌گردد. سیاست ترویج و تشویق فرقه‌گرایی در میان مسلمانان موجب گردید که مسلمین در عوض ایجاد اتحاد و انسجام به منظور تقابل با دشمن اصلی و دیرینه اسلام یعنی صهیونیسم، به ستیز و نزاع بی‌حاصل با یکدیگر مشغول شده و از این راه، موجبات تضعیف جهان اسلام و قدرت‌یابی رژیم صهیونیستی را در عرصه‌های مختلف فراهم آورند. بر این اساس حمایت

و تقویت فرقه بهائیت در ابعاد گوناگون در راستای این سیاست رژیم صهیونیستی در طول عمر کوتاه خود بوده است.

سال‌ها پس از مرگ بهاء‌الله، منابع بهائی مدعی بشارت‌های وی مبنی بر تأسیس رژیم صهیونیستی در سرزمین موعود شدند. (آهنگ بدیع، ۱۳۴۷: ۲۰۹) برخی از بهائیان به نشانه روابط صمیمانه بهائیان و صهیونیسم مدعی شده‌اند که، وقتی صهیونیون به ارض موعود وارد شدند برای درک نصایح به خدمت عبدالبها رفتند. (اشراق خاوری، بی تا: ۱۰۳) در سال‌های جنگ اول جهانی که قوای انگلیسی برای حمایت از یهودیان ساکن فلسطین در این منطقه دچار مضیقه شدند، مورد پشتیبانی بهائیان قرار گرفتند. سر هربرت ساموئل که از خانواده‌های معروف یهودی انگلیسی و صهیونیست سرشناس بود، پس از اشغال و تصرف فلسطین توسط قوای انگلیسی، به عنوان نخستین کمیسر عالی فلسطین انتخاب شد. وی توجه خاص و ویژه‌ای به بهائیان و عبدالبهاء داشت و ضمن شرکت در تشیع جنازه عباس افندی، بهائیان را مورد تجلیل قرار داد. (نجفی، ۱۳۵۷: ۶۸۶) در ملاقات‌ها و میهمانی‌های عباس افندی، علاوه بر سر هربرت ساموئل، موشه شاروت از دوستان قدیمی عبدالبهاء و از مقامات عالی‌رتبه بعدی در رژیم صهیونیستی نیز حضور دائم داشته است. (ماکسول، بی تا: ۴۱۱) در سال ۱۹۴۷ م، زمانی که مسئله فلسطین در جلسه عمومی سازمان ملل مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت، شوقی افندی در نامه‌ای به رئیس کمیسیون مخصوص رسیدگی به مسئله فلسطین نوشت که موقعیت بهائیان در این کشور تا حدی منحصر به فرد است و از میان ادیان مانند اسلام، مسیحیت و یهودیت، تنها یهودیان هستند که علاقه آنان نسبت به فلسطین تا اندازه‌ای قابل قیاس با علاقه بهائیان به این کشور است. (نجفی، ۱۳۵۷: ۶۸۹) شوقی در سال ۱۹۵۱ م در تلگراف مربوط به تشکیل هیئت بین‌المللی بهائی (بیت‌العدل بعدی)، یکی از علل مهم تأسیس این هیئت را پیدایش ملت مستقل اسرائیل و تأسیس حکومتی از طرف آن ملت عنوان می‌نماید. (آهنگ بدیع، ۱۳۳۳: ۷) روحیه ماکسول، همسر شوقی افندی نیز پیوند و ارتباط بهائیت و صهیونیسم را این‌گونه عنوان می‌نماید که «من ترجیح می‌دهم که جوان‌ترین ادیان (بهائیت) از تازه‌ترین کشورهای جهان (اسرائیل) نشو و نما نماید و در حقیقت باید گفت، آینده ما یعنی بهائیت و اسرائیل چون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته است.» (اخبار امری، ۱۳۴۰: ۶۰۱) روابط رژیم صهیونیستی با بهائیان و صمیمیت بین آنان در این خبر که در نشریه رسمی

محفل ملی بهائیان ایران درج شده مشهود است: با نهایت افتخار و مسرت، بسط و گسترش روابط بهائیت با اولیای امور دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می‌رسانیم و در ملاقات با بنگوریون، نخست‌وزیر اسرائیل، احساسات صمیمانه بهائیان برای پیشرفت دولت مزبور به او ابلاغ نمودند و او در جواب گفته است: از ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل داشته‌اند. (اخبار امری، ۱۳۳۰: ۸) در خبری دیگر، در نامه سال ۱۹۵۲ م بیت‌العدل که خطاب به محفل‌های بهائیان ایران نوشته شده است نیز این روابط کاملاً مشهود است. در این نامه آمده است که روابط حکومت اسرائیل با حضرت ولی امرالله و هیئت بین‌المللی بهائی دوستانه و صمیمانه است و در خصوص شناسایی بهائیت در اسرائیل نیز موفقیت‌هایی حاصل گردیده است. (اخبار امری، ۱۳۳۱: ۱۶) بر اساس اسناد ساواک در سال ۱۳۴۶ ش، بهائیان ایران نیز در قبال حمایت‌های اسرائیل از بهائیان، کمک مالی هنگفتی را به اسرائیل ارسال نمودند. (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴: ۵۳۶) رژیم اشغالگر قدس در ادامه حمایت‌های خود از بهائیان در سرزمین‌های اشغالی، تمام اماکن و موقوفات بهائیان را از عوارض و مالیات معاف نمود، عقدنامه بهائی و ایام متبرکه بهائیان را به رسمیت شناخت. (اخبار امری، ۱۳۲۹: ۵۴) پس از مرگ بهاءالله بر سر رهبری فرقه و تسلط بر اماکن بهائیان، اختلافات و حتی انشعابات در میان بهائیان به وجود آمده بود که تا سال‌ها ادامه داشت. (ولایتی، ۱۳۷۶: ۹۹) با حمایت‌های رژیم اشغالگر قدس، شوقی افندی توانست بر رقبای فرقه‌ای خود فائق آمده و دارایی‌های آنان را مصادره نماید. علاوه بر آن این رژیم، تنها جناح شوقی را در میان انشعابات بهائیت به رسمیت شناخت. (اخبار امری، ۱۳۳۸: ۲۵۹) به‌طورکلی روابط صهیونیسم و بهائیت بر اساس انتفاع متقابل سیاسی و اقتصادی بنا گذاشته شده و محوریت آن نیز تخریب و تضعیف جوامع و ملل اسلامی است.

نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی از جمله تمدن‌های بشری است که با مؤلفه‌های گوناگون در ابعاد مادی و معنوی با تکیه بر قرآن و سنت به وجود آمده است. این تمدن که از زمان شکل‌گیری در عرصه‌های مختلف، خدمات باارزشی به بشریت عرضه نموده، دوره‌های اوج و حضيض را پشت سر گذاشته، اما همواره و تا به حال تداوم داشته است. تضعیف، انحطاط و عقب‌ماندگی

جزء جدایی‌ناپذیر همه تمدن‌های بشری است و تمدن اسلامی نیز بنا به علل مختلفی دچار ضعف و عقب‌ماندگی شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی تمدن اسلامی، فرقه‌گرایی است که تاریخ آن، همراه و هم‌زمان با تاریخ اسلام بوده است. فرقه‌ها که محصول انحراف و انشعاب از دین اصلی و مسلط جامعه هستند، دارای ویژگی‌هایی مانند مخالفت و ناسازگاری فرقه با مذهب رسمی، تمامیت‌گرا بودن فرقه، دشمنی با سایر گروه‌های مذهبی، اعتقاد به انحصار حقیقت در فرقه خود، تعصب بر عقاید فرقه‌ای، دوری از همزیستی با سایر مذاهب، مشروعیت هرگونه اقدام در جهت حفظ کیان فرقه، حتی خدمت به بیگانگان، و تعریف آموزه‌های اختصاصی خود برای تفکیک و جداسازی از بدنه مذهب اصلی، هستند. تاکنون فرقه‌گوناگونی در جهان اسلام شکل گرفته‌اند که برخی عزت‌آفرین و پاره‌ای نیز باعث ذلت تمدن اسلامی شده‌اند. در قرون اخیر، جهان اسلام شاهد شکل‌گیری فرقه جدیدی به نام شیخیه بود که از میان آن فرقه بابیه و پس از بابیه، فرقه‌ای به نام بهائیت به وجود آمد. در پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش مبنی بر نحوه مواجهه بهائیت با تمدن اسلامی، دو مؤلفه اصلی فرقه‌گرایی و تعامل مثبت با دشمنان تمدن اسلامی در چهار بخش، مورد بررسی قرار گرفت. شکل‌گیری فرقه بهائیت در جهان اسلام، باعث به وجود آمدن انشعاب جدیدی در میان مسلمانان شد. این گسست از دین اصلی که با ادعاهایی نظیر مهدویت و نبوت همراه بود، نظم و انسجام جامعه اسلامی را با چالش مواجه نمود. فقدان نظم و یکپارچگی در میان مسلمین، که نتیجه این انحراف و انشعاب بود، موجبات ضعف و گسست جامعه اسلامی را فراهم نمود که این عامل به نحو مؤثری زمینه‌ساز انحطاط تمدن اسلامی بود. از آنجاکه فرقه‌ها بر درستی عقاید خود متعصب هستند، خصلت آشتی‌جویی با سایر فرق در میان آنان وجود ندارد؛ لذا برای اثبات حقانیت خود از اقدام به خشونت ابایی ندارند. بهائیت از زمان شکل‌گیری، عامل ترویج و گسترش خشونت در جوامع اسلامی بوده است. تبلیغ و تأکید بر خشونت در کتاب‌های مقدس آنان، شورش‌هایی را در بخش‌های مختلف جهان اسلام رقم زد که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از مسلمانان شد. بهائیان حتی در رقابت با فرقه‌های رقیب نیز دست به اعمال خشونت‌آمیز و حذف رقیب می‌زدند. برقراری تعامل مثبت با هر آن کس که بتواند در بقا و دستیابی به اهداف فرقه مؤثر باشد، ویژگی دیگر فرقه‌ها است. حضور قدرت‌های استعماری در میان جوامع اسلامی با اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاص

خود در قرون اخیر از مشکلات جدی تمدنی مسلمانان بوده است. فرقه سازی از مهم‌ترین شیوه‌های استعمارگران برای ایجاد نفوذ و شکاف در میان جوامع اسلامی و توقف و انحطاط تمدن دینی اسلام بوده است. فرقه بهائیت از شروع شکل‌گیری خود، ارتباطات گسترده‌ای با قدرت‌های استعماری و استکباری جهان، نظیر روسیه، انگلستان و آمریکا برقرار نمود. برقراری این روابط موجب گردید که بهائیان به ابزار اطلاعاتی و جاسوسی این دولت‌ها تبدیل شوند و راه ورود این قدرت‌ها به سرزمین‌های اسلامی را هموار نمایند. حضور بیگانگان در میان ملل اسلامی باهدف تسلط و غارت منابع آنان و از سوی دیگر تأمین منافع کشورهای استعماری در ابعاد مختلف صورت پذیرفت. این حضور موجب نفوذ آنان در ارکان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی کشورهای اسلامی شد که به تدریج به تضعیف و انحطاط تمدن اسلامی انجامید. بهائیت در راستای خصلت برقراری روابط با دشمنان اسلام برای حفظ بقای خود، تعاملات مثبتی با سیاست‌های دولت انگلستان در سرزمین فلسطین در جهت زمینه سازی و تشکیل رژیم جعلی صهیونیستی، ایجاد نمود. بهائیان، حتی تا پیش از شکل‌گیری این رژیم با عاملان و حامیان آن، ارتباطات گسترده سیاسی و اطلاعاتی داشتند. زمانی هم که رژیم صهیونیستی اعلام موجودیت نمود، بهائیان به انحاء مختلف، ضمن مشروعیت بخشی به آن، حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و تبلیغی گسترده‌ای از آن به عمل آوردند. رژیم صهیونیستی از طریق اشغال سرزمین‌های اسلامی که باعث آوارگی شمار زیادی از مسلمانان شد، ارائه چهره‌ای منفی از اسلام و مسلمانان با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغی و نیز ایجاد نفوذ و انحراف در میان دولت‌های اسلامی باهدف تخریب فرهنگ اسلامی، به دنبال انحطاط تمدن اسلامی بوده است.

این نوشتار به تبیین نقش و تأثیر فعالیت‌های فرقه بهائیت در عقب‌ماندگی و انحطاط تمدن اسلامی تا سال‌های قبل از انقلاب اسلامی پرداخته است. پس از وقوع انقلاب اسلامی، که جهان اسلام و تمدن اسلامی را در ابعاد گوناگون تحت تأثیر خود قرار داد، بررسی نقش و تأثیر بهائیان در تضعیف تمدن اسلامی، موضوع مناسبی برای انجام پژوهشی مستقل است.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. آذری، علی (۱۳۲۸)، انقلاب بی‌رنگ (قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان)، تهران: صفی‌علیشاه.
۲. ابن خلدون (۱۳۷۵)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
۳. افراسیابی، بهرام (۱۳۸۲)، تاریخ جامع بهائیت (کالبدشکافی بهائیت)، تهران: مهر فام.
۴. افشار، ایرج و اصغر مهدوی (۱۳۸۰)، یزد در اسناد امین‌الضرب (سال‌های ۱۳۳۰-۱۲۸۰ ق)، تهران: طلایه.
۵. اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۴)، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)»، فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال سوم، شماره ۵، صص ۸۵-۱۰۸.
۶. امام خمینی (ره) (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. ایوانف، یوری (۱۳۵۶)، صهیونیسم، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: امیرکبیر.
۸. بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۹. پورصالحی، امیر (۱۳۸۷)، «قائم موعود اسلام (عج) و مدعیان مهدویت»، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر، سال دوازدهم، شماره ۴۷ و ۴۸، صص ۱۲۲-۶۱.
۱۰. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی دینی، تهران: سخن.
۱۱. جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۰)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: معارف.
۱۲. جانسون، چالمرز (۱۳۶۳)، تحول انقلابی (بررسی نظری پدید انقلاب)، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیرکبیر.
۱۳. جدید بناب، علی (۱۳۸۶)، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۴. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۳)، «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۲۵۳-۲۳۳.
۱۵. حاجی‌ناصری، سعید و جباری، محمدحسن (۱۳۹۹)، «مطالعه مقایسه‌ای نظم سیاسی، بوروکراسی و توسعه ایران (دوره قاجاریه و پهلوی) با ژاپن»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۰۲-۶۹.
۱۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۴، صص ۲۸-۵.

۱۷. خسروشاهی، سید هادی (۱۳۸۸)، *خاطرات زندگی صبحی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. دورانت، ویل (۱۳۸۱)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۹. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، *حیات یحیی*، تهران: فردوسی.
۲۰. رایت، سردنیس (۱۳۶۴)، *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها*، ترجمه کریم امامی، تهران: آشتیانی.
۲۱. رائین، اسماعیل (بی‌تا)، *انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی*، تهران: موسسه تحقیقی رائین.
۲۲. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۵)، *درآمدی به شیعه‌شناسی*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۳. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۱)، *کارنامه اسلام*، تهران: امیرکبیر.
۲۴. زیدان، جرجی (۱۳۸۹)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر.
۲۵. ساسانی، خان ملک (۱۳۵۲)، *دست پنهان سیاست انگلیس در ایران*، تهران: هدایت.
۲۶. سیدی، حسین (۱۳۸۸)، *تمدن اسلامی*، تهران: مدرسه.
۲۷. شاهرودی خراسانی، احمد (۱۳۹۲)، *حق المبین (در اثبات مهدویت و ابطال فرقه ضاله بهائیت)*، تصحیح محمدحسین قدردان قراملکی، تهران: امیرکبیر.
۲۸. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۱)، *فلسطین و صهیونیسم*، بی‌جا، نشر مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۹. صبحی مهدی، فضل‌الله (۱۳۴۷)، *پیام پدر*، تهران: امیرکبیر.
۳۰. طبری، احسان (۱۳۵۶)، *جامعه ایران در دوران رضاشاه*، بی‌جا، انتشارات خلق.
۳۱. فضایی، یوسف (۱۳۸۷)، *تحقیق در تاریخ و عقاید شیخی‌گری، بابی‌گری، بهائی‌گری و کسروی‌گرایی*، تهران: آشیانه کتاب.
۳۲. قانع، احمدعلی (۱۳۷۹)، *علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم*، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۳. کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۴. کسروی، احمد (بی‌تا)، *بهائی‌گری*، تهران: موسسه مطبوعاتی فرخی.
۳۵. کوزر، لوئیس (۱۳۶۷)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۶. گل‌صفت، منصور (۱۳۸۳)، «*اخباری‌گری، اصولی‌گری، چشم‌انداز تاریخی*»، *مجموعه مقالات اسلام و ایران، بررسی تاریخی*، قم: معارف، صص ۲۳۰-۲۰۴.
۳۷. لوی، حبیب (۱۳۳۹)، *تاریخ یهود ایران*، تهران: بروخیم.
۳۸. محمدی شیخی، قباد (۱۳۸۹)، «*عوامل انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی*»، *مجله موعود*، شماره ۱۱۸، صص ۵۵-۵۸.
۳۹. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۶)، *روحانی مبارز آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

۴۰. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۳۴)، دوره هیجدهم، جلسه ۱۶۰.
۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، *فلسفه تاریخ*، تهران: صدرا.
۴۲. معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
۴۳. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۸۴)، *سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۴۴. موسوی نژاد، سید علی و پرهیزگار، محمدعلی (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیلی بر پیشینه شناسی بابیت و مهدویت علی‌محمد باب و رابطه آن با جریان‌های باطنی»، *فصلنامه انتظار موعود*، شماره ۵۳، صص ۱۱۷-۱۳۷.
۴۵. نجفی، محمدباقر (۱۳۵۷)، *بهاثیان*، تهران: کتابخانه طهوری.
۴۶. همیلتون، ملکوم (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دینی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
۴۷. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶)، *ایران و مسئله فلسطین بر اساس اسناد وزارت امور خارجه (۱۹۳۷-۱۸۹۷ م)*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

سایت

۴۸. آهنگ بدیع (۱۳۳۲)، سال ۸، شماره ۶ و ۷. به نقل از سایت ([www. Bahailib.com](http://www.Bahailib.com))
۴۹. آهنگ بدیع (۱۳۳۳)، سال ۹، شماره ۳. به نقل از سایت (www. Bahailib.com)
۵۰. آهنگ بدیع (۱۳۴۷)، سال ۲۳، شماره ۷ و ۸. به نقل از سایت (www. Bahailib.com)
۵۱. آهنگ بدیع (۱۳۵۲)، سال ۲۸، شماره ۳ و ۴. به نقل از سایت (www. Bahailib.com)
۵۲. اخبار امری (۱۳۲۹)، شماره ۱۲. به نقل از سایت (news.persian-bahai.org)
۵۳. اخبار امری (۱۳۳۰)، شماره ۵. به نقل از سایت (news.persian-bahai.org)
۵۴. اخبار امری (۱۳۳۱)، شماره ۵. به نقل از سایت (news.persian-bahai.org)
۵۵. اخبار امری (۱۳۳۸)، شماره ۹. به نقل از سایت (news.persian-bahai.org)
۵۶. اخبار امری (۱۳۴۰)، شماره ۱۰. به نقل از سایت (news.persian-bahai.org)
۵۷. اشراق خاوری، عبدالحمید (بی‌تا)، رساله ایام تسعه. به نقل از سایت (www. Bahailib.com)
۵۸. بیان فارسی (بی‌تا)، به نقل از سایت (www.bahailib.com)
۵۹. خطابات حضرت عبدالبهاء (بی‌تا) ج ۲، به نقل از سایت (www.reference.bahai.org)
۶۰. ماکسول، روحیه (بی‌تا) گوهر یکتا، ترجمه ابوالقاسم فیضی، به نقل از سایت ([www.reference. bahai.org](http://www.reference.bahai.org))
۶۱. موقر بالیوزی، حسن (بی‌تا) بهاء‌الله شمس حقیقت، به نقل از سایت (www.reference.bahai.org)